



دانشگاه شهید باهنر کرمان

دانشکده حقوق و الهیات

بخش حقوق

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته حقوق گرایش حقوق خصوصی

---

---

قضاوت غیر مجتهد در حقوق ایران و فقه امامیه

---

---

مؤلف:

فاطمه بهرامی خوشکار

استاد راهنما:

دکتر علی عارفی

استاد مشاور:

دکتر علی رفیعی مقدم

اسفند ۹۵

به نام خدا

## مشور اخلاق پژوهش

با استانت از خدای جهان و با اعتماد راسخ به یک عالم محضر خداست و او همواره ناظر بر اعمال ماست

و به منظور انجام ثابرسی پژوهش های اصیل، تولید دانش جدید و بسازی زندگانی بشرو

مادانجیبیان و احسانای بیست علمی دانشگاه داور پژوهشگاه های کشور

تم تلاش خود را برای کنت شینت و خت شینت به کد خوابیم بست و در حرکت جمل و تجریت و خایب هی علمی پریزی کنیم.

حق پژوهشگران، پژوهشکنان (انسان، حیوان، گیاه و انبیا)، مانع از دیدن مساجل حق را به ریت می نمایم و در خط آن می گوئیم.

بایکیت های و سوسی آند پژوهش های علمی، برای انجام پژوهش های اصیل، به تمام درنده در سرت علمی و در بدیع ماناسب به سبب می کنیم.

نمن پایندی به انصاف و اجتناب از حرکت بیخیز و تصب، و کیه خایب های پژوهش، در سانی تعداد امتاژ خوابیم کرد.

نمن لغت داری، از سراج و امکات اقتصادی، سانی و نخی وجود امتاژ به روز خوابیم کرد.

از امتاژ غیر اخلاقی نتایج پژوهش نظیر امتاژ مولوی، بهوشان و چنگدگی های پریزی کنیم.

اصل عمده بودن و راز داری را در هر تمام خایب های پژوهش خود خوری بدیم.

در هر خایب های پژوهش، به سراج بی توبه کرده برای نمن آن می گوئیم.

نویش را در هم، به رعایت کیه بندی علمی رسته خود، قانون و سترات سیاست های خدای، مانع از حقی و در سبوی بی در مزال پژوهش می نمایم.

رعیت اصول اخلاق و پژوهش را برای فرنگی می نمایم و به طور بلنگ این فرنگ به ترویج و انبوی آن در جلد اجتم می درزیم.



دانشگاه شهید باهنر کرمان

## تعهد نامه

اینجانب فاطمه بهرامی خوشکار به شماره دانشجویی ۸۸۷۲۳۰۰۷ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان نویسنده پایان نامه با عنوان قضاوت غیر مجتهد در حقوق ایران و فقه امامیه تحت راهنمایی دکتر علی عارفی تأیید می‌کنم که این پایان‌نامه نتیجه پژوهش اینجانب می‌باشد و در عین حال که موضوع آن تکراری نیست، در صورت استفاده از منابع دیگران، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن درج شده است. همچنین موارد زیر را نیز تعهد می‌کنم:

۱- برای انتشار تمام یا قسمتی از داده‌ها یا دستاوردهای پایان‌نامه خود در مجامع و رسانه‌های علمی اعم از همایش‌ها و مجلات داخلی و خارجی به صورت مقاله، کتاب، ثبت اختراع و .... به صورت مکتوب یا غیر مکتوب، با کسب مجوز از دانشگاه شهید باهنر کرمان و استاد(ان) راهنما اقدام نمایم.

۲- از درج اسامی افراد خارج از کمیته پایان‌نامه در جمع نویسندگان مقاله‌های مستخرج از پایان‌نامه، بدون مجوز استاد(ان) راهنما اجتناب نمایم و اسامی افراد کمیته پایان‌نامه را در جمع نویسندگان مقاله درج نمایم.

۳- از درج نشانی یا وابستگی کاری (affiliation) نویسندگان سازمان‌های دیگر (غیر از دانشگاه شهید باهنر کرمان) در مقاله‌های مستخرج از پایان‌نامه بدون تأیید استاد(ان) راهنما اجتناب نمایم

۴- کلیه ضوابط و اصول اخلاقی مربوط به استفاده از موجودات زنده یا بافتهای آنها را برای انجام پایان‌نامه رعایت نمایم.

۵- در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه شهید باهنر کرمان از درجه اعتبار ساقط و اینجانب هیچ‌گونه ادعایی نخواهم داشت.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر (مقالات مستخرج، برنامه‌های رایانه‌ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) مطابق با آیین‌نامه مالکیت فکری، متعلق به دانشگاه شهید باهنر کرمان است و بدون اخذ اجازه کتبی از دانشگاه قابل واگذاری به شخص ثالث نیست. همچنین استفاده از اطلاعات و نتایج این پایان‌نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد. چنانچه مبادرت به عملی خلاف این تعهدنامه محرز گردد، دانشگاه شهید باهنر کرمان در هر زمان و به هر نحو مقتضی حق هرگونه اقدام قانونی را در استیفای حقوق خود دارد.

فاطمه بهرامی خوشکار

امضا و تاریخ

## "این المرتجی لإزالة الجور و العدوان"

تقدیم به پدر و مادرم

مهربان فرشتگانی که لحظات ناب باور بودن، لذت و غرور دانستن، جسارت خواستن، عظمت رسیدن و

تمام تجربه های یکتا و زیبای زندگیم، مدیون حضور سبز آن هاست.

## تشکر و قدردانی:

« الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا أن هدانا الله »

سپاس خدای را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمت‌های او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. و سلام و دورد بر محمد و خاندان پاک او، طاهران معصوم، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است؛ و نفرین پیوسته بر دشمنان ایشان تا روز رستاخیز...

در ابتدا بر خود لازم می‌دانم از باب «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از استادان فرهیخته و فرزانه‌ام جناب آقای دکتر علی عارفی و دکتر علی رفیعی مقدم که از محضر پرفیض تدریستان، بهره‌ها برده‌ام؛ و از مساعدت‌های بی‌شائبه‌ی عمومی بزرگوارم جناب آقای دکتر محمد بهرامی خوشکار تقدیر و تشکر نمایم؛

همچنین با تقدیر و درود فراوان خدمت پدر و مادر بسیار عزیز، دلسوز و فداکارم که پیوسته جرعه نوش جام تعلیم و تربیت، فضیلت و انسانیت آن‌ها بوده‌ام و همواره آرامش روحی و آسایش فکری مرا فراهم نمودند تا با حمایت‌های همه‌جانبه در محیطی مطلوب، مراتب تحصیلی و نیز پایان‌نامه درسی را به نحو احسن به اتمام برسانم؛

و سپاسگزارم از همسر گرامی‌ام که مرا صمیمانه و مشفقانه در به انجام رساندن این مهم یاری نموده است.

شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا بر منتهای همت خود کامران شدم

« یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اتوا العلم درجات والله بما تعملون خبیر » (۱۱ مجادله)

## چکیده:

با توجه به اینکه قضاوت یکی از مباحث مهم و ضروری فقه و حقوق محسوب می‌شود، شرایط قاضی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. از جمله شرایطی که برای صلاحیت قاضی، خصوصاً در فقه، حائز اهمیت دانسته شده است، اجتهاد هست که مورد اختلاف نیز هست. مشهور فقها قائل به لزوم اجتهاد در قضاوت هستند و ادله متعددی را در این زمینه بیان داشته‌اند. در مقابل گروهی از فقها که همگی از معاصرین هستند، برخلاف قول مشهور، شرط اجتهاد را در قضاوت، لازم نمی‌دانند. ظاهراً ادله ایشان از ادله مشهور فقها قوی‌تر بوده، و عدم لزوم اجتهاد در قضاوت را البته در صورت مأذون بودن مقلد آگاه به احکام و دارای سایر شرایط، ثابت می‌نمایند.

به فرض قبول لزوم اجتهاد، قضاوت مقلد منصوب و وکیل از سوی مجتهد جایز نمی‌باشد، اما بنابر قول به عدم لزوم اجتهاد نصب توکیل مقلد در مقام قضاء جایز می‌باشد. چنانچه به توصیه اکید اسلام در خصوص جان و مال و آبروی مردم، شرط اجتهاد را لازم بدانیم، در صورت اضطرار و عدم دسترسی به قاضی مجتهد، برای جلوگیری از اختلال نظام و عسرو حرج مردم، قضاوت مقلد صحیح می‌باشد.

در قوانین موضوعه نیز مطابق نظر مشهور فقها، اجتهاد از جمله شرایط قضاوت دانسته شده است، اما غیر مجتهد (دارندگان مدرک لیسانس قضایی یا الهیات و طلابی که سطح را تمام کرده و دو سال خارج فقه و قضا گذرانده‌اند) مادامی که مجتهد در دسترس نباشد به‌عنوان جایگزین بر مقام قضا منصوب گردیده است. این نحوه جایگزینی بنا به قول مجوزین جایز است. در صورت قبول لزوم اجتهاد نیز این مورد از موارد اضطرار محسوب می‌شود که برخی از مانعین نیز حکم به جواز آن کرده‌اند. لازم به ذکر است که قضاوت در حقوق کنونی ایران، قضاوت بر اساس قانون است، بنابراین در عمل، هیچ فرقی میان مجتهد و غیر مجتهد در کیفیت قضاوت وجود ندارد. البته در مواردی مثل سکوت، تعارض، نقص و اجمال قانون

به مجتهد حق اعمال نظر داده شده است. در صورتی هم که قانون بنا به نظر مجتهد خلاف شرع باشد، امکان ارجاع پرونده به شعبه‌ی دیگر در نظر گرفته شده است. در نهایت می‌توان گفت در قضاوت بر اساس قانون، اطلاع و تسلط بر قوانین، جایگزین شرط اجتهاد در قضاوت شده است.

پژوهش مذکور با موضوع "قضاوت غیر مجتهد در حقوق ایران و فقه امامیه" و باهدف بررسی مشروعیت قضاوت غیر مجتهد و نقش اجتهاد در قضاوت و قضاوت مشخص مقلد و قرار گرفتن قضاوت غیر مجتهد در مقام قضایی ایران موردتحقیق قرار گرفته است و روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

کلید واژگان:

قضاوت، اجتهاد، مجتهد مطلق، مجتهد متجزی، قاضی منصوب، قاضی مأذون.

مقدمه.....	۱
<b>فصل اول: اهمیت قضاوت و نقش اجتهاد در آن</b> .....	۶
مبحث اول: اهمیت قضاوت.....	۶
گفتار اول : اهمیت قضاوت در اسلام.....	۷
گفتار دوم : اهمیت قضاوت در آیات.....	۸
گفتار سوم : اهمیت قضاوت در روایات.....	۱۴
گفتار چهارم: اهمیت قضاوت در قانون اساسی.....	۱۹
مبحث دوم: شرایط قضاوت.....	۲۱
گفتار اول : بلوغ و عقل.....	۲۶
گفتار دوم: ایمان.....	۲۷
گفتار سوم : عدالت.....	۲۹
گفتار چهارم : حلال زادگی.....	۲۹
گفتار پنجم: مرد بودن.....	۳۱
گفتار ششم: اجتهاد.....	۳۳
بند اول: اجتهاد در لغت و اصطلاح.....	۳۵
بند دوم: مبادی اجتهاد.....	۳۶
بند سوم: اقسام اجتهاد.....	۳۷
گفتار هفتم: شرایط مستحده در قانون.....	۳۷
مبحث سوم: نقش اجتهاد در قضاوت.....	۳۸
<b>فصل دوم: شرط اجتهاد برای قضاوت در فقه امامیه</b> .....	۴۴



- مبحث اول: لزوم اجتهاد در قضاوت ..... ۴۴
- گفتار اول: ادله لزوم اجتهاد در قضاوت شرعی ..... ۴۴
- بند اول: آیات و روایات ..... ۴۴
- الف: آیات و روایات نهی کننده از عمل به غیر علم ..... ۴۴
- ب: آیات امر کننده به حکم بنابر «ما انزل الله» ..... ۴۶
- ج: مقبوله عُمَر بن حَنْظَلَه ..... ۴۷
- د: دو مشهوره ابو خدیجه ..... ۵۲
- ه: توفیق شریف ..... ۵۳
- بند دوم: اجماع ..... ۵۴
- بند سوم: عقل ..... ۵۵
- بند چهارم: اصل عملی ..... ۵۶
- مبحث دوم: عدم لزوم اجتهاد در قضاوت ..... ۵۷
- گفتار اول: جواز قضاوت مقلد ماذون به طور مطلق ..... ۵۷
- بند اول: ادله جواز قضاوت مقلد ..... ۵۸
- الف: اطلاق ادله ای که بر قضاوت بنابر حق و عدالت و «مانزل الله» دلالت دارند ..... ۵۸
- ب: مشهوره ابو خدیجه ..... ۶۲
- ج: روایت عبدالله ابن طلحه ..... ۶۴
- د: روایت حلبی ..... ۶۶
- بند دوم: مؤیدات جواز قضاوت مقلد ..... ۶۶
- الف: فقدان دلیل مبنی بر لزوم اجتهاد در قضاوت ..... ۶۶
- ب: عدم حدوث اجتهاد مصطلح در زمان حضور ..... ۶۷

گفتار دوم: نصب مقلد بر مقام قضا از سوی مجتهد.....	۶۷
گفتار سوم: وکالت مقلد بر مقام قضا از سوی مجتهد.....	۶۹
گفتار چهارم: قضاوت مقلد در زمان اضطرار.....	۷۰
<b>فصل سوم: شرط اجتهاد برای قضاوت در حقوق ایران.....</b>	<b>۷۴</b>
مبحث اول: لزوم اجتهاد در حقوق ایران.....	۷۴
مبحث دوم: قضاوت بنا بر قانون در حقوق ایران.....	۷۸
گفتار اول: قضاوت براساس قانون در قانون اساسی.....	۷۹
گفتار دوم: قضاوت براساس قانون در قوانین عادی.....	۸۱
بند اول: قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی.....	۸۱
بند دوم: قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری.....	۸۴
بند سوم: قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب.....	۸۴
بند چهارم: قانون مجازات اسلامی.....	۸۵
مبحث سوم: مقامات قضایی مجتهد در حقوق ایران.....	۸۶
گفتار اول: رییس قوه قضائیه.....	۸۶
گفتار دوم: دادستان کل کشور.....	۸۸
گفتار سوم: رئیس دیوان عالی کشور.....	۹۰
گفتار چهارم: رئیس دادگاه انتظامی قضات.....	۹۲
<b>نتیجه گیری.....</b>	<b>۹۳</b>
<b>منابع.....</b>	<b>۹۵</b>

## مقدمه

### ۱. طرح مسئله

مسئله‌ی مورد تحقیق در این نوشتار "قضاوت غیر مجتهد در حقوق ایران و فقه امامیه" است که با محور قرار دادن ادله اربعه و قوانین موضوعه ایران با ارائه مباحث تمهیدی و ضروری در این باره به مطالعات تحلیلی مبانی و قلمرو موضوع با نگاه فقهی و حقوقی می‌پردازد. قضاوت، مستلزم تصرف در جان، مال و آبروی افراد، و یکی از مهم‌ترین ارکان خطیر حکومت اسلامی است. از این جهت، نوعی ولایت به شمار می‌رود که برای پیامبر - صلی الله علیه و آله - و امام - علیه السلام - ثابت است و تصدی منصب قضاوت برای دیگران جز با نصب خاص یا عام یا اذن از سوی امام جایز نیست. قضاوت یکی از مباحث مهم در حقوق محسوب می‌شود، شرایط قاضی نیز مورد اهمیت است. بنابراین با توجه به لزوم شرط اجتهاد به عنوان یکی از شرایط تصدی منصب قضاء که از مباحث اختلافی در حیطه‌ی فقه امامیه است، ذکر ادله مانعین و مجوزین به همراه نقد یا تأیید ادله مورد نظر قرار گرفته به طور مبسوط به آن پرداخته شده است.

### ۲. ضرورت انجام تحقیق

بحث از اهمیت و ضرورت قضاوت همین بس، که نظام زندگی انسان متوقف بر آن است، چرا که ستمگری برخواسته از نفس بشر است و افراد بشر همواره در پی جلب منفعت، در حال نزاع با یکدیگرند. چنانچه عاملی بازدارنده، در مقابل نفس نایستد، ستمگری و ظلم اوج گرفته و زندگی بشری به زندگی جنگلی و در نهایت به سقوط منجر می‌گردد. این مطلب عقلی بلکه از مستقالات عقلیه محسوب می‌شود. بنابراین پایگاهی برای فصل خصومت و دادخواهی و رفع ظلم نیاز است. در صورتی که قضات در این

پایگاه از شایستگی‌های لازم برخوردار باشند، می‌توانند در برابر بی‌عدالتی و ظلم ایستاده و در مقابل ظالمان و زورگویان از حقوق مردم دفاع کنند و به‌واسطه عملکردی صحیح حتی در پیشگیری از جرم مؤثر باشند، و بدین ترتیب امنیت، نظم اجتماعی و عدالت را برای جامعه به ارمغان آورند.

### ۳. سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی:

آیا قضاوت شخص غیر مجتهد در حقوق ایران و فقه امامیه پذیرفته شده است؟

سؤالات فرعی:

در قضاوت شرعی آیا قاضی مأذون غیر مجتهد می‌تواند بر اساس قول مجتهدش به حل و فصل دعاوی

بپردازد؟

در قضاوت قانونی علم به قانون کافی است یا اجتهاد فقهی نیز ضرورت دارد؟

### ۴. پیشینه نظری و تجربی

اکثر فقهای امامیه در کتب فقهی خود به شرح و بیان شرایط قضاوت از آن جمله اجتهاد نظر داشته‌اند، این مطلب آن‌چنان در نظرشان بااهمیت بوده که برخی از ایشان در کتب متعدد خود به بررسی و تبیین این موضوع پرداخته‌اند. بحث اجتهاد در قضاوت یک موضوع اختلافی می‌باشد که در این میان دو عقیده در برابر هم قرار می‌گیرند. عده‌ای معتقد به لزوم اجتهاد در امر قضا هستند و آن را یکی از شرایط

اجتناب‌ناپذیر قضاوت می‌دانند و قضاوت مقلد را جایز نمی‌دانند. از جمله‌ی این فقیهان شیخ طوسی در کتاب النهایه، محقق حلی در شرایع الاسلام، شهید ثانی در مسالک الافهام، علامه حلی در تحریر الاحکام الشرعیه و چند تن دیگر از فقها می‌باشند.

اما عده‌ای دیگر به عدم لزوم اجتهاد معتقد بوده و قضاوت مقلد را چه در زمان اختیار و چه در زمان اضطرار منوط بر اذن از سوی مجتهد جایز می‌دانند. فقهای چون محمدحسن نجفی در جواهرالکلام، سید عبدالکریم موسوی در فقه القضاء، محمدحسن حائری یزدی در قضاوت مقلد و مجتهد متجزی، سید محمد حسینی شیرازی در کتاب القضاء و برخی دیگر از نویسندگان به این مطلب اذعان دارند.

در میان حقوق‌دانان کسی به‌طور مبسوط به این موضوع نپرداخته است، ولیکن یک مقاله در رابطه با موضوع این پایان‌نامه با عنوان "قضاوت مقلد و مجتهد متجزی" نوشته آقای حائری یزدی موجود است که منحصراً در حیطه فقهی نگاشته شده است.

## ۵. روش و نوع تحقیق

گردآوری اطلاعات در این پژوهش از طریق مراجعه به کتابخانه، نرم‌افزارهای فقهی، روایی و تفسیری، سایت‌های اینترنتی، مباحثات مکرر با اساتید و صاحب نظران عرصه فقه و قضا بوده است و روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

پایان‌نامه پیش رو مشتمل بر سه فصل می‌باشد. فصل اول با عنوان اهمیت قضاوت و نقش اجتهاد در آن طی سه مبحث مورد بررسی قرار گرفته است: ۱. اهمیت قضاوت ۲. شرایط قاضی ۳. نقش اجتهاد در قضاوت. در ذیل مباحث شرایط قاضی، شرایط مورد اتفاق فقها به همراه شرایطی که قانون به رأی قاضی اعلام کرده به طور مختصر بیان می‌گردد، و در بحث شرط اجتهاد، اجتهاد در لغت و اصطلاح، مبادی اجتهاد و اقسام آن بررسی می‌گردد.

در فصل دوم تحت عنوان شرط اجتهاد برای قضاوت در فقه امامیه، در دو مبحث لزوم اجتهاد در قضاوت و عدم لزوم اجتهاد در قضاوت، به ادله مانعین و مجوزین می‌پردازیم، علاوه بر این، صورت‌های نصب مقلد و وکالت مقلد از سوی مجتهد و در نهایت قضاوت مقلد در زمان اضطرار نیز تبیین می‌گردد.

در فصل سوم با عنوان شرط اجتهاد برای قضاوت در حقوق موضوعه ایران، سه موضوع توضیح داده شده است: ۱. لزوم اجتهاد در قضاوت در حقوق ایران، ۲. قضاوت بنابر قانون در حقوق ایران، ۳. مقامات قضایی مجتهد در حقوق ایران.

# فصل اول

## اهمیت قضاوت و نقش اجتهاد در آن

## فصل اول: اهمیت قضاوت و نقش اجتهاد در آن

در فصل اول به بررسی سه مبحث پرداخته شده است:

### ۱. اهمیت قضاوت ۲. شرایط قاضی ۳. نقش اجتهاد در قضاوت

در ذیل مباحث شرایط قاضی، شرایط مورد اتفاق فقها به همراه شرایطی که قانون به رأی قاضی اعلام کرده به طور مختصر بیان می‌گردد، و در بحث شرط اجتهاد، اجتهاد در لغت و اصطلاح، مبادی اجتهاد و اقسام آن بررسی می‌گردد.

### مبحث اول: اهمیت قضاوت

بحث از اهمیت و ضرورت قضاوت همین بس، که نظام زندگی انسان متوقف بر آن است، چراکه ستمگری برخاسته از نفس بشر است و افراد بشر همواره در پی جلب منفعت، در حال نزاع با یکدیگرند. چنانچه عاملی بازدارنده، در مقابل نفس نایستد، ستمگری و ظلم اوج گرفته و زندگی بشری به زندگی جنگلی و در نهایت به سقوط منجر می‌گردد. این مطلب عقلی بلکه از مستقلات عقلیه محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> در تاریخ اقوام مختلف در جهان، برای امر قضاوت و حل و فصل اختلافات جایگاه ویژه‌ای است، زیرا امنیت کشور و استقرار عدالت و حفظ حقوق افراد و مقدسات جامعه، مبتنی بر وجود و سلامت قوه قضائیه است، و اگر این قوه از بافت و انسجام سالمی برخوردار نباشد، موجب رواج فساد در جامعه و پایمال شدن حقوق مردم و ضعف دولت و حکومت می‌شود. عالم طبیعت عالم تضاد و تراحم است و انسان در طبیعت خود حریص آفریده شده است. پس بسیار اتفاق می‌افتد که انسان از قدرت خود و ناآگاهی دیگران سوءاستفاده کند و به حقوق و اموال دیگران تجاوز کند. در بسیاری موارد نیز امر بر

---

<sup>۱</sup> رشتی، حبیب‌الله. کتاب القضا. ج ۱، ص ۵۵.



انسان مشتبه می‌شود و از روی ناآگاهی یا به اشتباه اموال دیگران را تصرف می‌کند و به دنبال آن نزاع به وجود می‌آید، پس به ناچار باید سلطه و قوه‌ای عالم و عادل و نافذ الامر وجود داشته باشد که صلح را بین مردم برقرار کرده و به حق و عدالت در بین آنان قضاوت نماید.<sup>۱</sup> براین اساس اسلام بر اصلاح جامعه و سلامت قوه قضائیه و اینکه به افراد با صلاحیت واگذار شود تأکید فرموده است، خداوند متعال می‌فرماید: مؤمنان با یکدیگر برادرند، پس بین دو برادر خویش اصلاح برقرار کنید.<sup>۲</sup> از پیامبر اکرم (ص) نیز منقول است: اصلاح ذات‌البین [اصلاح جامعه] از تمام نماز و روزه‌ها برتر است.<sup>۳</sup>

بنابراین پایگاهی برای فصل خصومت و دادخواهی و رفع ظلم نیاز است، در صورتی که قضات در این پایگاه از شایستگی‌های لازم برخوردار باشند، می‌توانند در برابر بی‌عدالتی و ظلم ایستاده و در مقابل ظالمان و زورگویان از حقوق مردم دفاع کنند و به واسطه عملکردی صحیح حتی در پیشگیری از جرم مؤثر باشند، و بدین ترتیب امنیت، نظم اجتماعی و عدالت را برای جامعه به ارمغان آورند.

## گفتار اول: اهمیت قضاوت در اسلام

قضا از مهم‌ترین امور جامعه است، تا بدان حد که شاخه‌ای از درخت ولایت و حکومت است. قضاوت از ارکان حکومت اسلامی و منصب قضا از شئون ولایت و امامت است. تفکیک حکومت و قضاوت در اسلام اساساً غیرممکن است. در اسلام تقنین، الهی است و قوانین اسلامی از طرف ذات باری تعالی به پیامبر وحی می‌شود و پیامبر حامل وحی و ابلاغ‌کننده احکام خداوندی است. دو قوه دیگر یعنی قوه قضائیه و اجرائیه در پیغمبر متمرکز است و قضات به نمایندگی پیغمبر تعیین می‌شوند. پس از رحلت پیامبر و در زمان خلفا نیز وضع چنین بود ولی تعیین قاضی از طرف خلیفه به مفهوم اطاعت او از دستورات خلفا

۱ منتظری نجف‌آبادی، حسین علی. مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۳، صص ۲۲۷ و ۲۲۸.

۲ «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ، فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ». حجرات / ۱۰.

۳ اصلاح ذات‌البین افضل من عامه الصلاه و الصيام. نهج البلاغه، فیض / ۹۷۷، لحن ۴۲۱، نامه ۴۷.

نمود چون قاضی برای قضاوت ملاک‌های مشخصی داشت و هیچ کس حق نداشت که در حکم قاضی دخالت کند یا از او بخواهد که چگونه حکم صادر کند، حتی خلیفه نیز این حق را به خود نمی‌داد که از قاضی بخواهد چه حکمی صادر کند یا در حکم او تصرف نماید. بسیار اتفاق می‌افتد که قاضی علی‌رغم تمایلات خلیفه حکم صادر می‌کرد، یا خلیفه را در دعاوی شخصی محکوم می‌نمود. در تاریخ داوری‌های جهانی، قضات اسلامی جایگاهی شایسته تکریم دارند و نمی‌توان آن‌ها را با قضات همزمان در سایر ادیان و ممالک در یک ردیف قرار داد.<sup>۱</sup>

### گفتار دوم: اهمیت قضاوت در آیات

قضاوت از جایگاه بسیار رفیع و مهمی برخوردار است که خداوند آن را شأنی از شئون انبیاء قرار داده است و یکی از اهداف بعثت و وظایف اصلی پیامبرانی را که دارای حکومت بودند، قضاوت بر پایه عدالت و حق و حقیقت مقرر فرموده است. آیات ذیل تأییدی بر این مطلب است:

آیه ۲۶ سوره ص:

«ای داود، ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم، پس میان خلق خدا به حق حکم کن و هرگز هوای نفس را پیروی نکن که تو را از راه خدا گمراه سازد و آنان که از راه خدا گمراه شوند چون روز حساب و قیامت را فراموش کرده‌اند به عذاب سخت معذب خواهند شد.<sup>۲</sup>»

---

۱ بلاغی، صدر الدین. **عدالت و قضا** در اسلام، صص ۱۲۳ و ۱۲۶.

۲ «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ».

آیه ۴۴ سوره مائده:

«ما تورات را فرستادیم که در آن هدایت و روشنایی است و پیغمبرانی که تسلیم امر خدا هستند بدان کتاب بر یهودان حکم کنند و نیز خداشناسان و علمایی که مأمور نگهداری (احکام) کتاب خدا هستند و بر (صدق) آن گواهی دادند. پس هرگز (در اجرای احکام) از کسی نترسید و از (انتقام) من بترسید و آیات مرا به بهای اندک معامله نکنید، که هر کس به خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کس از کافران خواهد بود.»<sup>۱</sup>

آیه ۲۱۳ سوره بقره:

«مردم یک گروه بودند، خدا رسولان را فرستاد که (نیکوکاران را) بشارت دهند و (بدان را) بترسانند، و با آن‌ها کتاب به راستی فرستاد تا در موارد نزاع مردم تنها دین خدا به عدالت حکم فرما باشد؛ و در کتاب حق، اختلاف و شبهه نیفکنند مگر همان گروه که بر آنان کتاب آسمانی آمد، برای تعدی به حقوق یکدیگر، پس خداوند به لطف خود اهل ایمان را از آن ظلمت شبهات و اختلافات به نور حق هدایت فرمود، و خدا هر که را خواهد راه راست بنماید.»<sup>۲</sup>

این آیه علت برانگیخته شدن پیامبران را این گونه بیان می‌فرماید: در ابتدا مردم یک گروه و یک ملت واحد بودند اما کم کم نسل بشر گسترش یافت و در میان مردم، گروه‌های متعددی به وجود آمد. به این ترتیب در میان آن‌ها بنا بر اقتضای فطرتشان که ذاتاً حب نفس دارند و به دنبال منافع برای خویش هستند نزاع اختلاف آغاز گشت. در این زمان بود که خداوند پیامبران را به سوی مردم فرستاد تا به بیان احکام،

<sup>۱</sup> «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّائِيُونَ وَالْأَجْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوْنَ النَّاسَ وَالْأَخْشُونَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي كَمَنْ قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ».

<sup>۲</sup> «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».

قوانین و حقانیت بردازند. طبق کتاب الهی میان افراد جامعه حکم کنند و به اختلافات و کشمکش‌های آن‌ها پایان بخشند و به این ترتیب نوع بشر را در مسیر سعادت و کمال قرار دهند.<sup>۱</sup>

آیات بسیاری در رابطه با قضاوت و حکم کردن وجود دارد و در بسیاری از موارد دستور رعایت و برپایی قسط و عدل داده شده است، از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

آیه ۵۸ سوره نساء:

«همانا خدا به شما امر می‌کند که امانت‌ها را به صاحبانش باز دهید و چون حاکم بین مردم شوید به عدالت داوری کنید. همانا خدا شما را پند نیکو می‌دهد، که خدا شنوا و بیناست.»<sup>۲</sup>

قسمت دوم آیه «و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل» به زمامداران امر می‌کند که در میان افراد به عدالت حکم کنند.<sup>۳</sup> این قسمت از آیه در حال اشاره به یکی از قوانین زیربنایی یک جامعه سالم است، چرا که هیچ جامعه انسانی نمی‌تواند بدون اجرای چنین دستوری به سامان برسد.

آیه ۵۹ سوره نساء:

«ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید، پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خدا و رسول بازگردانید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و خوش عاقبت‌تر خواهد بود.»<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup> طوسی، محمد بن حسن. **تفسیر طیبیان**. [بی تا]، ج ۲ ص ۱۹۴؛ طباطبایی، سیدمحمد حسین. **تفسیر المیزان**. ج ۳ ص ۱۵۸؛ مکارم شیرازی، ناصر.

**تفسیر نمونه**. ج ۲ ص ۵۸

<sup>۲</sup> «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا.»

<sup>۳</sup> ابن بابویه، محمد بن علی. **من لا یحضره الفقیه**. ج ۳، ص ۱۳۷؛ الحارثی البغدادی، محمد بن النعمان. **المقنعه**. ص ۲۲۰.

<sup>۴</sup> «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا.»